

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۵ بهمن ۱۳۹۷

مصادف با: ۲۸ جمادی الاولی ۱۴۴۰

جلسه: ۵۸

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط یازدهم؛ رعایت موالات

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه شرط یازدهم از شرائط صحت وضو، نوشته است: «فالشرط فی الحقيقة أحد الأمرین من التتابع العرفی و عدم الجفاف و ذهب بعض العلماء إلى وجوب الموالاة بمعنى التتابع و إن كان لا يبطل الوضوء بترکه إذا حصلت الموالاة بمعنى عدم الجفاف. ثم إنه لا يلزم بقاء الرطوبة فی تمام العضو السابق، بل يكفي بقاؤها فی الجملة و لو فی بعض أجزاء ذلك العضو»^۱.
مرحوم سید (ره) فرموده است که شرط تحقق موالات، در حقیقت یکی از دو امرِ تتابع عرفی و عدم جفاف است [، یعنی اگر تتابع عرفی یا عدم جفاف حاصل شود، موالات محقق می‌شود] و بعضی از علما وجوب موالات را به معنای تتابع دانسته‌اند؛ هرچند که اگر موالات به معنای عدم جفاف حاصل شود، با ترک تتابع، وضو باطل نمی‌شود. بنابراین، لازم نیست که رطوبت در تمام عضو سابق باقی بماند، بلکه بقاء فی الجملة رطوبت کافی است؛ هرچند که رطوبت در بعضی از اجزاء آن عضو سابق باشد [و در تمام اجزاء نباشد].

همان‌طور که در جلسه گذشته بیان شد، موالات به معنای عدم جفاف نیست، بلکه عدم جفاف اماره و نشانه بر تحقق موالات است، یعنی عدم جفاف کاشف از این است که موالات حاصل شده است؛ هرچند که صرف عدم جفاف نیز در بعضی موارد، حتی زمانی که هوا معتدل باشد، نشانه حصول موالات نیست چون چه بسا هنوز رطوبت باقی باشد، لکن موالات به خاطر ایجاد فاصله زیاد بین اعضای وضو به هم خورده باشد.

مقصود مرحوم سید (ره) از بعض العلماء که در کلامش آمده است، مرحوم محقق (ره) و مرحوم شهید اول (ره) است که در جلسه گذشته به کلام این دو بزرگوار اشاره شد و آن، اینکه این دو بزرگوار به تتابع عرفی به عنوان وجوب نفسی قائل شده‌اند و وجوب موالات را وجوب نفسی دانسته‌اند و وجوب شرطی ندانسته‌اند لذا اگر موالات به هم بخورد، وضو باطل نمی‌شود، بلکه مکلف فقط عصیان کرده است و معاقب خواهد بود.

همچنین، عرض شد که نظر مختار این است که اگر کسی موالات و تتابع را رعایت نکرد، وضویش باطل است و باید آن را اعاده کند چون وجوب موالات، وجوب شرطی است لذا اگر موالات به هم بخورد، شرط منتفی شده است و در نتیجه، مشروط نیز منتفی خواهد شد لذا وضو باطل است و شخص باید دوباره وضو بگیرد.

دلیل اینکه بقاء فی الجملة رطوبت کفایت می‌کند و نیاز نیست که رطوبت در تمام اعضای سابق و اجزاء آنها باقی باشد، این است که نصی که وجود دارد، در خشک بودن تمام اعضای وضو ظهور دارد لذا از این ظهور استفاده می‌شود که اگر رطوبت در بعضی

از اجزاء باقی باشد، جفاف صدق نخواهد کرد و در نتیجه، مشکلی برای شستن اعضای بعدی ایجاد نخواهد شد و می‌توان اعضای بعد را شست.

مسئله ۵۶۳: «إذا توضأ و شرع فی الصلاة ثم تذكّر أنّه ترک بعض المسحات أو تمامها، بطلت صلاته و وضوؤه أيضاً إذا لم تبق الرطوبة فی أعضائه و إلّا أخذها و مسح بها و استأنف الصلاة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص وضو بگیرد و شروع به نماز خواندن کند و سپس متوجه شود که بعضی از مسح‌ها یا تمام مسح‌ها را ترک کرده است، نمازش باطل است و وضویش نیز در صورتی که رطوبتی در اعضای او باقی نمانده باشد، باطل است، ولی اگر رطوبت باقی باشد، آن را می‌گیرد و به وسیله آن مسح را انجام می‌دهد و نمازش را می‌خواند.

دلیل حکم به بطلان نماز در مسئله مذکور، این است که چون مکلف مسح را انجام نداده است، نمازی که خوانده است، نماز بدون وضو بوده است و لذا چون طهارت شرط نماز است، با نبود طهارت، مشروط که نماز است نیز منتفی می‌شود لذا نماز نیز باطل است. اما دلیل بطلان وضو در فرض عدم بقاء رطوبت این است که وضو بدون مسح بوده است و چون مسح سر و مسح پا باید با رطوبت کف دست انجام شود و در صورت نبودن رطوبت در کف دست، با رطوبت سایر اعضای وضو مسح انجام می‌شود لذا اگر رطوبتی در کف دست و همچنین، در سایر اعضای وضو باقی نمانده باشد، وضوی شخص تمام نیست چون مسح را انجام نداده است. در صورت عدم رطوبت در اعضاء و وجود فاصله، وضو باطل است چون موالات ندارد.

نکته: فرق نمی‌کند که منشأ عدم بقاء رطوبت در اعضای وضو، ایجاد فاصله زیاد بین اعضای وضو باشد یا گرمای شدید یا وزش باد و امثال آن باشد.

اما اگر رطوبت باقی باشد، شخص می‌تواند از آن رطوبت بگیرد و مسح را انجام بدهد و وضویش صحیح است و سپس نمازش را شروع کند.

البته بر طبق مبنای مرحوم سید (ره) که ملاک در وجوب موالات را عدم جفاف دانسته است، بقاء رطوبت در فرض مذکور، کافی است و شخص می‌تواند با آن مسح را انجام بدهد و سپس نماز بخواند، ولی اگر مبنا این باشد که ملاک در وجوب موالات، تنابع عرفی است، عرض می‌شود که در فرض مذکور، تنابع به هم خورده است و شخص نمی‌تواند با رطوبت باقی مانده مسح کند. بنابراین، بقاء رطوبت در صورتی کافی است که وحدت عمل و تنابع عرفی به هم نخورده باشد، ولی اگر تنابع به هم خورده باشد، نمی‌توان با آن رطوبت مسح کرد.

مسئله ۵۶۴: «إذا مشی بعد الغسلات خطوات ثم أتى بالمسحات لا بأس و کذا قبل تمام الغسلات إذا أتى بما بقى و يجوز التوضؤ ماشياً»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم بردارد و سپس مسح سر و پاها را انجام بدهد، اشکالی ندارد. همچنین، متوضی اگر قبل از تمام شدن همه شستن‌ها چند گام بردارد [، مثلاً هنگام شستن دست چپ راه برود]، وضویش صحیح است و وضو گرفتن در حال راه رفتن جایز است.

۱. همان.

۲. همان.

دلیل حکم مذکور، اطلاق ادله باب وضو است. اطلاق آیه شریفه «...فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۱، بر این دلالت دارد که شخص می‌تواند در حال راه رفتن نیز وضو بگیرد. همچنین، روایات وارد شده در باب وضو نیز بر این دلالت دارند که شخص می‌تواند در حال راه رفتن نیز وضو بگیرد و در آن روایات نیامده است که شخص حتماً باید بایستد و وضو بگیرد و همچنین، روایات بر این دلالت ندارند که شستن و مسح حتماً باید در مکان واحد انجام شود لذا شخص می‌تواند شستن را در یک مکان انجام بدهد و سپس چند قدم راه برود و مسح را در مکان دیگری انجام بدهد.

مسئله ۵۶۵: «إذا ترك الموالاة نسياناً، بطل وضوءه مع فرض عدم التتابع العرفي أيضاً و كذا لو اعتقد عدم الجفاف ثم تبين الخلاف»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص از روی فراموشی موالات را ترک کند، وضویش باطل است و با فرض عدم تتابع عرفی نیز وضویش باطل است و همچنین، اگر معتقد باشد که اعضای سابق خشک نشده است و سپس خلاف آن روشن شود [یعنی معلوم شود که آن اعضای سابق خشک شده‌اند]، وضویش باطل است.

از اینکه مرحوم سید (ره) فرموده است که اگر شخص نسیاناً موالات را ترک کرده باشد، وضویش باطل است و بعد فرموده است که با فرض عدم تتابع عرفی نیز وضو باطل است، فهمیده می‌شود که ایشان عدم جفاف را ملاک برای موالات دانسته است، ولی عرض می‌شود که عدم جفاف نمی‌تواند ملاک برای موالات باشد چون جفاف و عدم جفاف به اختیار شخص نیست تا گفته شود که از روی فراموشی آن را ترک کرده است. پس چون در موالات به معنای عدم جفاف، ترک از روی فراموشی معنا ندارد، عرض می‌شود که منظور از موالات، تتابع عرفی است. عدم جفاف، کار مکلف نیست و به مکلف ربطی ندارد که فراموش شده باشد یا فراموش نشده باشد.

دلیل حکم مذکور در مسئله ۵۶۵، این است که چون وضو یک عمل واحد است و تبعیض‌پذیر نیست لذا اگر کسی موالات [به معنای تتابع عرفی] را نسیاناً و از روی فراموشی ترک کند، وضویش باطل است.

دلیل بطلان وضو در فرضی که شخص معتقد باشد که اعضای سابق خشک نشده است و سپس خلاف آن روشن شود، این است که موالات که به نظر مرحوم سید (ره) عدم جفاف است، شرط واقعی است و چون اخلال به شرط، اخلال به مشروط را در پی دارد، بنابراین، مشروط که وضو باشد، باطل است.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. «المائدة»: ۶.

۲. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۶.